

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

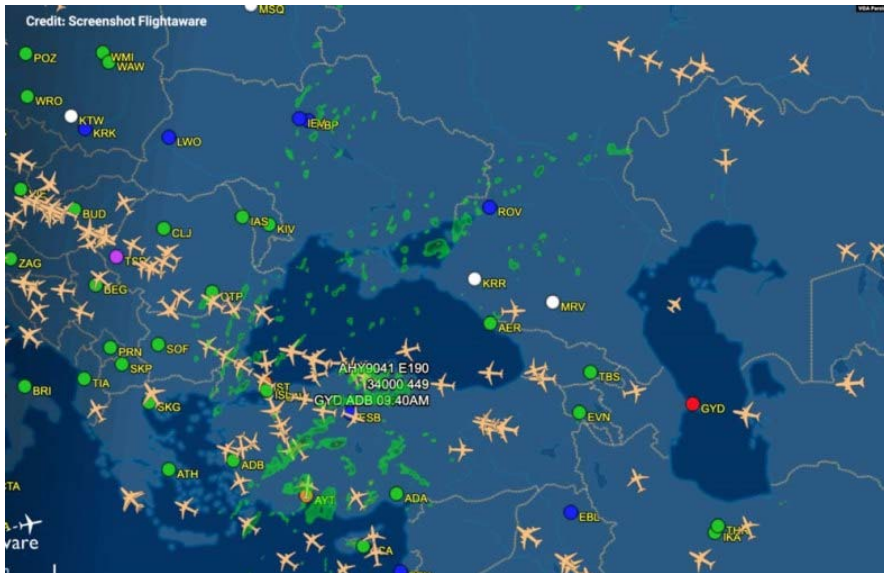
Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۵ فبروری ۲۰۲۲

خطر جنگ در اروپا و صفبندی‌ها!

خطر جنگ در اروپا بار دیگر بالا گرفته است. روسیه بالاترین شمار نیروهای خود در هفت سال اخیر را در مرزها با اوکراین گرد آورده است فراتر از آن وارد مرزهای اوکراین شده است. چهره‌هایی در همه دولت‌ها بر طبل جنگ می‌کوبند. در مقابل مردم کشورهای اوکراین و همسایه‌هایش به شدت نگرانند.



عملیات نظامی روسیه در خاک اوکراین بامداد روز پنجشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ - ۵ اسفند ۱۴۰۰ با فرمان ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در چند شهر واقع در شرق و شمال شرق این کشور آغاز شد. به گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی این حملات به دنبال سخنرانی تلویزیونی پوتین با تهاجم جنگنده‌های روسی به چند شهر در شرق و شمال شرقی اوکراین، شلیک موشک و پیاده کردن نیرو در ساحل جنوبی اوکراین آغاز و صدای انفجارهای شدید در چند شهر از جمله در کئیف، پایتخت، و خارکیف شنیده شد. برخی منابع از جمله خبرگزاری اینترفاکس همچنین از شنیده شدن صدای تیراندازی در نزدیکی فرودگاه اصلی پایتخت اوکراین خبر داده‌اند.

دیمیتر کولبا، وزیر امور خارجه اوکراین همزمان با شروع این حملات با انتشار توثیقی از «تهاجم تمام عیار روسیه» به کشورش خبر داد و اعلام کرد که چندین شهر غیردرگیر در مناقشه شرق اوکراین هدف حملات موشکی و هوایی روسیه قرار گرفته‌اند.

جو بایدن، رئیس جمهوری امریکا نیز در نخستین واکنش به این حملات اعلام کرد که دعای او با مردم اوکراین است زیرا آن‌ها «از حملات غیرقانونی و توجیه ناپذیر نظامیان رنج می‌برند».

مقامات نظامی اوکراین می‌گویند همزمان با حملات هوایی و موشکی ارتش روسیه، حملاتی نیز از مرز بلاروس به کشورشان صورت گرفته است.

سی‌ان‌ان با استناد به اظهارات گارد مرزی اوکراین اعلام کرد که سحرگاه پنجشنبه ۲۴ فوریه مرزهای این کشور با فدراسیون روسیه و جمهوری بلاروس از سوی نیروهای روس تحت حمایت بلاروس مورد حمله قرار گرفت. بنا به گزارش سی‌ان‌ان مرزهای شرقی و شمالی اوکراین از سوی سربازان روس مورد حمله قرار گرفته و حملاتی نیز از سمت جمهوری خود مختار کریمه انجام شده است. از سوی دیگر، به گزارش فرانس پرس الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهوری بلاروس که از متحدان نزدیک متحد مسکو به شمار می‌رود رهبران ارتش کشورش را به صورت فوری فراخوانده و با آن‌ها تشکیل جلسه داده است.

وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که این کشور هیچ حمله‌ای به شهرها و مناطق مسکونی اوکراین نخواهد کرد و فقط زیرساخت‌های نظامی این کشور را هدف قرار خواهد داد.

یک مقام وزارت دفاع روسیه امروز پنجشنبه به خبرگزاری ریانووستی گفت: نیروهای مسلح روسیه هیچ‌گونه حمله موشکی، هوایی یا حملات توپخانه‌ای به شهرهای اوکراین نخواهند کرد.

مقام وزارت دفاع روسیه خاطرنشان کرد: با تسلیحات دقیق، زیرساخت‌های نظامی، مراکز پدافند هوایی، پایگاه‌های هوایی و واحدهای هوایی اوکراین هدف قرار خواهد گرفت و از کار خواهد افتاد.

حریم هوایی اوکراین به روی کلیه پروازهای غیرنظامی بسته شد.

ساعتی بعد از اعلام عملیات نظامی روسیه در اوکراین، جو بایدن، رئیس جمهوری امریکا، با صدور بیانیه‌ای واکنش نشان داد. بایدن گفت که جهان پوتین را پاسخگو خواهد کرد.

رئیس جمهوری ایالات متحده بامداد پنجشنبه با صدور بیانیه‌ای در رابطه با آغاز عملیات نظامی روسیه در اوکراین، آن را «حمله غیرقانونی و توجیه‌ناپذیر نیروهای نظامی روسیه» خواند و روسیه را تنها مسئول مرگ و ویرانی ناشی از این حمله دانست.

بایدن در این بیانیه گفت که از نزدیک با تیم امنیت ملی کاخ سفید اوضاع را زیر نظر دارد. او تاکید کرد صبح پنجشنبه به وقت واشنگتن با رهبران گروه هفت و سایر متحدان صحبت خواهد کرد و پس از آن مردم امریکا را در جریان تبعاتی که ایالات متحده و شرکایش در واکنش به این اقدام «تجاوزگرانه» و «بدون دلیل» بر روسیه تحمیل خواهند کرد، قرار می‌دهد.

وقتی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ فروپاشید، بیش‌تر پانزده جمهوری که آن را تشکیل می‌دادند به سرعت استقلال و مرزهای یکدیگر را به رسمیت شناختند تا خطر جنگ‌های مرزی منتفی شود. با این بحران‌های گرجستان و تاجیکستان. جنگ آذربایجان و ارمنستان. اما به غیر از سه کشور همجوار با دریای بالتیک (لیتوانی، لتونی و استونی) که حضور خود در شوروی را اشغال غیرنظامی می‌دانستند، بقیه کشورها همه حول سازمان جدیدی به نام «اتحاد

دولت‌های مستقل» گرد آمدند که انتظار می‌رفت رابطه آن‌ها را با برادر بزرگ «روسی» در دوران مستقل شدنشان هماهنگ کند.

روسیه، که بیش از ۲۰ سال است تحت رهبری ناسیونالیستی و مستبدانه ولادیمیر پوتین قرار دارد، این دخالت‌ها را حرکتی دفاعی در مقابل گسترش ناتو و اتحادیه اروپا در مرزهای غربی خود می‌داند؛ منطقه‌ای که پوتین می‌خواهد حیاط خلوت روس‌ها باشد.

اکنون خطرناکترین این تخاصم‌ها در شرق اوکراین روی داد؛ جایی که از سال ۲۰۱۴ دو دولت خودخوانده به نام‌های «جمهوری خلق دونتسک» و «جمهوری خلق لوہانسک» اراضی همجوار با مرز روسیه را در دست گرفته‌اند و با دولت مرکزی درگیر شده‌اند. با وجود انکارهای روسیه، نقش نیروهای نظامی این کشور در حمایت از این دو «جمهوری» از ابتدا آشکار بوده است. بیشتر مردم مناطق شرق اوکراین روس‌زبان هستند و خیلی‌هايشان به روسیه یا حداقل به روابط خوب روسیه و اوکراین دلبستگی دارند.

پس از آن‌که در اعتراضات معروف به «انقلاب لارنجی» ۲۰۱۴ اوکراینی‌ها، رئیس‌جمهوری وقت، ویکتور یانوکویچ، را سرنگون شد، خیلی از همین مردم از استقلال‌طلبان دونتسک و لوہانسک حمایت کردند. یانوکویچ توسط منتقدینش زیادی نزدیک به مسکو دانسته می‌شد، به خصوص که در سال ۲۰۱۳ حاضر به امضای توافقی تاریخی با اتحادیه اروپا نشد. حالا با گذشت هفت سال، دو «جمهوری» شرق اوکراین همچنان با حمایت ضمنی روسیه سرکارند. مسکو در ضمن شبه‌جزیره کریمه را که بخشی از خاک اوکراین است، در پی برگزاری همه‌پرسی در همان سال بحرانی به خاک خود الحاق کرد. از جمله عوارض این حرکت این بود که اوکراین بخش عمده نیرو دریایی خود را (که بیش‌ترش در کریمه بود) از دست داد.

در ژوئن ۲۰۱۴ که نمایندگان کشورهای مختلف برای یادبود عملیات تاریخی متفقین در جنگ جهانی دوم، موسوم به «روز دی» در نورماندی فرانسه گرد آمدند، نمایندگان روسیه و اوکراین با هم توافق کردند که غائله‌شان را در قالب گروهی از چهار کشور حل کنند: دو کشور درگیر به‌اضافه فرانسه و آلمان.

اولین نتیجه توافق نورماندی مذاکراتی در مینسک، پایتخت بلاروس، با حضور امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، بود که منجر به پروتکل مینسک در سپتامبر ۲۰۱۴ شد. طبق این توافق قرار بود جنگ در مناطق شرقی اوکراین متوقف شود، روسیه به حمایت از استقلال‌طلبان خاتمه دهد و اوکراین نیز به آن مناطق و به شهروندان روس‌زبان خود، خودمختاری دهد. در عمل اما تنها نتیجه توافق مینسک کاهش و نه توقف کامل تخاصم بوده است. جنگ‌افروزی در شرق اوکراین هرگز خاتمه نیافته و تا کنون ۱۴ هزار شهروند غیرنظامی کشته شده‌اند. «مینسک ۲» در فوریه ۲۰۱۵ امضا شد و آخرین اقدام این روند «نشست پاریس» در سال ۲۰۱۹ بود. اما به نظر می‌رسد پاریس و برلین از همین «منجمد» ماندن تخاصم راضی باشند و عجله‌ای برای حل نهایی آن نداشته باشند.

پوتین اولین بار در سال ۲۰۱۹ بود که نمونه سربرنیتسا را مطرح کرد. در همین سال بود که مجلس روسیه قانونی تصویب کرد که دریافت گذرنامه روسیه را برای شهروندان روس‌زبان اوکراین (و خیلی کشورهای دیگر) راحت‌تر می‌کند. روسیه قبلاً در گرجستان نیز از این تاکتیک استفاده کرده بود: این‌گونه است که می‌تواند حضور نظامی خود را با لزوم دفاع از شهروندانش توجیه کند.

در ماه فوریه ۲۰۲۲، دولت اوکراین شبکه‌های تلویزیونی تحت مالکیت ویکتور مدودچوک، سیاستمداری اوکراینی را که رابطه نزدیکی با پوتین دارد، ممنوع کرد و مجازات‌هایی برای او تعیین کرد. این اقدام می‌تواند از عوامل بالا گرفتن اوضاع بوده باشد.

دولت جو بایدن از حزب دموکرات امریکا، در چهار سال گذشته بارها به روابط نزدیک پوتین و دونالد ترامپ اعتراض داشتند. در نتیجه از همان اول سعی کرده‌اند در ماجرای اوکراین همبستگی خود با کیف را اعلام کنند. علاوه بر بایدن، تونی بلینکن، وزیر خارجه، لوید آستین، وزیر دفاع، مارک میلی، رئیس ستاد ارتش و جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی همگی در هفته‌های گذشته با همتایان اوکراینی خود گفت‌وگو کرده‌اند.

بایدن چند روز پیش در تماسی تلفنی با همتای اوکراینی‌اش، ولودیمیر زلنسکی، از «حمایت قاطع خود از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی اوکراین در مواجهه با ادامه تهاجم روسیه در دونباس و کریمه» خبر داد. بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا، هم با زلنسکی صحبت و اعلام حمایت کرد. استوارت پیچ، رئیس کمیته نظامی ناتو، از اوکراین دیدار کرد و با زلنسکی و هومچاک ملاقات کرد. زلنسکی در ضمن صحبتی تلفنی با دبیر کل ناتو، ینس استولنبرگ، داشت و در آن تاکید کرد که تنها راه پایان جنگ در شرق کشورش، ناتو و گام برداشتن اوکراین به سوی عضویت در این سازمان است.

در حال حاضر اوکراین به همراه پنج کشور دیگر (گرجستان، استرالیا، فنلاند، سوئد و اردن) لقب «شرکا با فرصت‌های ویژه» ناتو را دارند، اما این‌که این کشور بتواند به عضویت این پیمان نظامی در آید یا نه موضوع دیگری است. بسیاری از کشورهای اروپایی چنین حرکتی را تحریک بی‌فایده روسیه می‌دانند که نمی‌خواهد یکی دیگر از کشورهای هم‌مرز آن عضو ناتو باشد.

در حال حاضر ناظران نگران‌اند که استقرار واحدهای ارتش روسیه در مرز به این درگیری‌ها که تا کنون ۱۳ هزار قربانی از خود به جای گذاشته، دامن بزند.

اخیرا روسلان خومچاک، فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین، به پارلمان این کشور گفته بود که روسیه اکنون تعداد ۲۸ گردان راهبردی با ۲۵ هزار سرباز در مرز مشترک دو کشور مستقر کرده است.

ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، کرملین را به «زورنمایی» به منظور ارباب «کنیف» متهم کرده و در یک بیانیه گفته است این «یک سنت روسی» است. اخیرا اداره اطلاعات ارتش اوکراین نسبت به خطرات موجود از جانب روسیه هشدار داد و گفت که مسکو خود را برای «تحریک کشور به نشان دادن واکنش به اقدامات خصمانه در مرز» آماده می‌کند.

روز سه‌شنبه هفته گذشته نیز، زلنسکی بار دیگر به تمایل اوکراین به پیوستن به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به منظور حفاظت از کشور در مقابل روسیه اشاره کرد.

به گزارش بلومبرگ، زلنسکی در یک گفت‌وگوی تلفنی با ژنرال ینس اشتولنبرگ، عضویت در ناتو را «تنها راه پایان دادن به جنگ» خواند. اما دبیرکل ناتو در تویییتی که پس از این گفت‌وگو به اشتراک گذاشت، هیچ‌گونه تعهدی در این مورد نداده و تنها در حمایت از اوکراین نوشت که «ما به همکاری‌های نزدیک‌مان با اوکراین پایبندیم.»

ساعاتی پس از ورود نظامیان روسیه به اوکراین، سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، با انتقاد از ناتو و امریکا گفت: «متأسفانه مداخلات و اقدامات تحریک‌آمیز ناتو با محوریت امریکا شرایط را در این منطقه پیچیده‌تر کرده است.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی همچنین کشورهای غربی را متهم کرده است که «در طبل جنگ می‌کوبند» و خواستار پرهیز از تشدید تنش‌ها شده است.

ولادیمیر پوتین شامگاه دوشنبه دوم اسفند، فرمانی مبنی بر شناسائی استقلال دو منطقه جدائی‌طلب لوهانسک و دونتسک را که تحت کنترل شورشیان شرق اوکراین است، امضاء کرد و ساعاتی بعد ستون‌هائی از خودروهای نظامی شامل تانک وارد شهر دونتسک شدند.

این اقدام روسیه با محکومیت و واکنش‌های گسترده جهانی روبه‌رو شد و برخی همسایگان ایران از جمله ترکیه اقدام روسیه را محکوم کردند. در مقابل، برخی متحدان جمهوری اسلامی مانند مقام‌های ارشد دولت سوریه از اقدام پوتین حمایت کردند و گفته‌اند که با مناطق جدائی‌طلب اوکراین همکاری می‌کند.

دولت امریکا اقدامات پوتین را «شرم‌آور» خوانده است و جو بایدن فرمان اجرائی برای تحریم مناطق جدائی‌طلب صادر کرده است. کشورهائی اروپا نیز قرار است درباره اعمال تحریم علیه روسیه تصمیم‌گیری کنند.

به این ترتیب دوستان دیروزی دارند به دشمنان امروزی تبدیل می‌شوند برای مثال رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور دیکتاتور ترکیه در سفر به آفریقا اعلام کرد که ترکیه به رسمیت شناختن دونتسک و لوهانسک توسط روسیه را محکوم می‌کند. اسرائیل نیز در این بحران در کنار غرب قرار گرفته است. بحران اوکراین نه تنها برای این دو کشور خاورمیانه، بلکه برای همه کشورهای خاورمیانه و غربی بحران‌ها و چالش‌های خاصی ایجاد و آن‌ها را مجبور می‌کند تا در صف‌بندی‌های جدید جهانی جای خود را پیدا کنند.

برای ترکیه عضو ناتو، این چالش مهم است چرا که این کشور ۲۰۰۰ کیلومتر خط ساحلی دریای سیاه آن، از بلغارستان در غرب تا گرجستان در شرق، امتداد دارد. این مرز دریائی طولانی‌ترین در بین کشورهای حول این دریا از جمله روسیه و اوکراین است. دریای سیاه یکی از اولویت‌های راهبردی حکومت ترکیه است. اوکراین مانند دژی است که هرگونه نفوذ و فشار بیش‌تر روسیه را در منطقه متوقف می‌کند.

با تشدید بحران اوکراین، شاید ترکیه موضع عوض کند و از اتحاد با روسیه خارج شود. آن وقت احتمال دارد که موقعیت ترکیه در جنگ داخلی سوریه و حمله به روژآوا و اقلیم کردستان عراق با مخالفت شدید روسیه روبه‌رو شود. حمایت اقتصادی و نظامی ترکیه از اوکراین و تاتارهای کریمه و امتناع این کشور از به رسمیت شناختن الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ که با سیاست ناتو همسو بود با سیاست‌های ماجراجویانه رجب طیب اردوغان مطابقت دارد.

چند روز قبل از به رسمیت شناختن مناطق اوکراین، میخائیل بوگدانوف، معاون وزیر خارجه روسیه یک پیام هشدار به ترکیه ارسال کرد. او گفت که مشارکت کردهای سوریه در تلاش‌های دیپلماتیک برای میانجی‌گری و حل و فصل دوران پس از جنگ در سوریه ضروری می‌باشد و از جدائی کردها جلوگیری می‌کند و تضمینی است برای یک‌پارچگی یک کشور ویران شده از جنگ است. بوگدانوف در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی Russia Today، اعلام کرد که شورای دموکراتیک سوریه (SDC) مناطق وسیعی از شرق فرات را کنترل می‌کند. این منطقه تحت پوشش مجموعه‌ای از نیروهای نظامی ترکیه، روسیه، امریکا، سوریه، کردها و گروه‌های مختلف شبه‌نظامی و جهادی است...

ولادیمیر پوتین، با موافقت با گشت‌زنی مشترک روسیه و ترکیه در منطقه‌ای که ترکیه قبلاً زنجیره‌ای از پاسگاه‌ها را برای مهار نیروهای روسیه و حکومت سوریه و روژآوا ساخته است، تلاش کرده تا جلوی تهاجم بیش‌تر ترکیه را بگیرد. با این حال، آنکارا مسکو را متهم می‌کند که به وعده خود مبنی بر خلع سلاح جنگجویان کرد در منطقه بی‌طرفی به طول ۳۰ کیلومتر در مرز سوریه و ترکیه عمل نکرده است.

به رسمیت شناختن جمهوری‌های دونتسک و لوهانسک جدائی‌طلب اوکراین از سوی روسیه در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ و حرکت نیروهای روسی به این مناطق، ادامه ماجراجوئی‌های ترکیه را تهدید می‌کند. گالیپ دالای، متخصص ترکیه معتقد است: «سوریه همچنان نقطه ضعف ترکیه است. علاوه بر این، روسیه احتمالاً از طریق سوریه بر آنکارا فشار

خواهد آورد. در منظری گسترده‌تر، روسیه و ترکیه در مناطق درگیری در خاورمیانه و شمال آفریقا با یکدیگر همکاری و در عین حال رقابت کرده اند. با این حال، مسکو تمایل کمتری به تکرار این تجربه با ترکیه در محدوده شوروی سابق داشته است.»

مسکو خواهان توقف رسمی گسترش «سازمان پیمان اتلانتیک شمالی» (ناتو) به سوی شرق و عقب‌نشینی نیروهای غربی از کشورهای اروپای شرقی و جمع کردن سلاح‌های هسته‌ای امریکائی مستقر در اروپا است. با عدم رضایت از وضعیت کنونی، این درخواست‌ها شکل اخطار به خود گرفته و به صورت تهدید مداخله نظامی روسیه در اوکراین درآمده است.

نظر دولت‌های غربی‌ها این است که دولت پوتین، به بحران دامن می‌زند تا از امریکا و اروپائی‌ها امتیازهایی بگیرد. نظر دیگر برعکس این است که این معنی که دولت روسیه می‌خواهد عدم توجه به خواسته‌هایش را دستاویز حمله به اوکراین کند. در هر صورت، ماجرای اصلی این است که طرفین دعوا در رابطه با بحران اوکراین وارد بازی‌های خطرناک سیاسی و نظامی شده‌اند که بیش از همه به ضرر مردم اوکراین است.

از سال ۲۰۱۴، دولت روسیه به مقدار قابل ملاحظه‌ای به توانائی‌های اقتصادی خود برای مقابله با یک ضربه شدید و تحریم‌های غرب، به ویژه در بخش‌های بانکی و مالی افزوده‌اند. سهم دلار در ذخایر بانک مرکزی کاهش زیادی یافته است. اگر امریکا تهدید خود در مورد محروم کردن روسیه از نظام غربی مبادلات بانکی «سویفت» (Swift) را اجرا کند که در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸ در مورد ایران کرد، حواله‌های مالی بین بانک‌ها و موسسات روسی می‌تواند از طریق یک پیام‌رسان محلی انجام شود. بنابراین، اکنون روسیه در برابر تحریم‌های شدید در صورت بروز جنگ، خود را مجهزتر احساس می‌کند.

از سوی دیگر، تجهیز پیشین ارتش روسیه در مرزهای اوکراین در بهار ۲۰۲۱، منجر به از سرگیری گفت‌وگوها بین روسیه و امریکا در مورد مسئله راهبردی امنیت سایبری شد. این بار نیز، ظاهراً دولت روسیه به این نتیجه رسیده که راهبرد ایجاد تنش تنها راه به گوش غربی‌ها رساندن صدای خویش است و احتمالاً دولت امریکا مجبور است امتیازهای تازه‌ای بدهد تا بتواند خود را برای رودرروئی رشد یابنده با پکن متمرکز کند.

اساساً کشمکش اخیراً عدم تفاهم غرب و روسیه از زمان فروپاشی شوروی به سال ۱۹۹۱ باز می‌گردد. اصولاً، با از بین رفتن پیمان ورشو می‌بایست «ناتو» نیز منحل گردد چرا که رقیب اصلی خود را از دست داده بود. ناتو برای رودرروئی با تهدید احتمالی شوروی به وجود آمده بود.

از سال ۱۹۹۷، گسترش ناتو به سوی شرق در حالی انجام شد که مسئولان غربی به میخائیل گورباچف خلاف آن را وعده داده بودند. جرج کان، که از او به‌عنوان معمار سیاسی ایجاد مانع در برابر اتحاد شوروی یاد می‌شود، عوارض چنین تصمیمی را منطقی اما شوم پیش‌بینی کرد: «گسترش ناتو مرگبارترین اشتباه سیاست امریکا پس از پایان جنگ سرد است. می‌توان انتظار داشت که این تصمیم موجب دامن زدن به گرایش‌های ملی‌گرایانه، ضدغربی و نظامی‌گری در افکار عمومی روسیه شود و فضای جنگ سرد دیگری را در روابط شرق-غرب ایجاد کند و سیاست خارجی روسیه را به سوئی که ما واقعا خواستار آن نیستیم سوق دهد.»

در سال ۱۹۹۹، ناتو که پنجاهمین سالگرد خود را جشن می‌گرفت، نخستین گسترش خود به سوی شرق (مجارستان، لهستان و جمهوری چک) را انجام داد و اعلام کرد که این روند تا مرزهای روسیه ادامه می‌یابد و به‌خصوص، اتحاد اتلانتیک به‌طور هم‌زمان به جنگ علیه یوگوسلاوی پرداخت و این کار آن را از یک پیمان تدافعی بدل به یک اتحاد تهاجمی کرد که این امر تخطی از حقوق بین‌المللی بود. جنگ علیه بلگراد بدون تصویب سازمان ملل متحد انجام شد تا

روسیه نتواند از آخرین ابزار قدرتی که برایش مانده بود، یعنی حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد استفاده کند. در آن زمان بوریس یلتسین رئیس جمهوری که خود در فروپاشی اتحاد شوروی نقش داشت، دید که با آن نه به صورت یک کشور شریک درخور دریافت پاداش برای پایان بخشیدن به شوروی، بلکه به عنوان بازنده بزرگ جنگ سرد برخورد می‌شود که باید هزینه ژئوپولیتیک آن را بپردازد.

با به قدرت رسیدن پوتین در سال بعد، همزمان با یک دوران ثبات در روابط روسیه و غرب شد. پوتین به شکل‌های گوناگون حسن نیت خود را پس از سوءقصد های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا نشان داد. او پذیرفت که پایگاه‌های موقت آمریکا در آسیای مرکزی مستقر شود و در همان زمان فرمان داد که پایگاه‌های میراث اتحاد شوروی در کوبا بسته شود و نیز سربازان روس حاضر در کوزوو را نیز عقب کشید. در مقابل انجام این کارها، روسیه خواهان این بود که توسط غربی‌ها پذیرفته شود و فضای پسا اتحاد شوروی، که روسیه آن را از آن خود می‌داند، تحت مسئولیتش قرار گیرد. در حالی که روابط روسیه با اروپا، به ویژه فرانسه و آلمان خوب بود، انواع عدم تفاهم با آمریکا روی هم انباشته شد. در سال ۲۰۰۳، اشغال عراق توسط نیروهای آمریکائی و بدون تأیید سازمان ملل متحد، یک تجاوز دیگر به حقوق بین‌المللی بود که پاریس، برلن و مسکو به طور هماهنگ به آن اعتراض کردند. این موضع مشترک ۳ قدرت اصلی قاره اروپا، تأییدی بر نگرانی آمریکا از نزدیک شدن روسیه به اروپا بود. چون که نگران بود برتری خود را از دست بدهد.

در سال‌های بعد، آمریکا قصد خود برای نصب سامانه‌های سپر موشکی در اروپای شرقی را اعلام کرد که این نیز خلاف عهدنامه روسیه-ناتو (امضاء شده در سال ۱۹۹۷) بود که به روسیه تضمین می‌داد غربی‌ها زیرساخت‌های نظامی دائمی دیگری نصب نخواهند کرد. به علاوه، واشنگتن توافق‌های خلع سلاح هسته‌ای را نیز زیرپا نهاد و از عهدنامه موشک‌های ضد بالیستیک (ABM - ۱۹۷۲) در دسامبر ۲۰۰۱ خارج شد.

در آوریل ۲۰۰۸ آمریکا فشار شدیدی بر متحدان اروپائی خود وارد کرد تا گرجستان و اوکراین را به‌عنوان عضو ناتو بپذیرند. این در حالی بود که در آن زمان اکثریت بزرگی از اوکرائینی‌ها مخالف پیوستن به ناتو بودند. در همان زمان، آمریکا به رسمیت شناختن استقلال کوزوو فشار آورد، در حالی که این نیز تجاوز به حقوق بین‌المللی بود زیرا از نظر حقوقی کوزوو یک استان صربستان بود.

در مقابل روسیه در سال ۲۰۰۸ با دخالت نظامی به آن‌ها پاسخ داد و سپس با به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازی واکنش نشان داد. با انجام این کارها، روسیه نشان داد که برای جلوگیری از گسترش جدید ناتو به سوی شرق، از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کند. در عین حال، با زیر سؤال بردن تمامیت ارضی گرجستان، روسیه نیز به نوبه خود مرتکب تجاوز به حقوق بین‌المللی شده است.

با آغاز بحران اوکراین در پایان سال ۲۰۱۳، که اروپائی‌ها و آمریکائی‌ها از تظاهراتی حمایت کردند که منجر به سرنگونی ویکتور یانکویچ شد. اما از نظر مسکو، این واقعه یک کودتا بود که غربی‌ها نیز از آن حمایت کردند تا به هر قیمتی که شده اوکراین را به اردوگاه غرب وابسته کنند. از آن زمان، دخالت‌های روسیه در اوکراین-الحاق کریمه و حمایت نظامی غیر رسمی از استقلال‌طلبان دونباس - به عنوان پاسخی به نیروهای هوادار غرب در کنیف تلقی می‌شد.

توافق مینسک، که در سپتامبر ۲۰۱۴ امضاء شد، این موقعیت را برای فرانسه و آلمان پیش آورد که بتوانند رامحلی مبتنی بر گفت‌وگو برای خصومت‌ها در دونباس بیابند. اما، ۷ سال بعد، این روند شکست خورده است. کنیف همچنان از اعطای خودمختاری به دونباس - طبق پیش‌بینی در متن توافق مینسک - خودداری می‌کند. دولت روسیه می‌کوشد به‌طور مستقیم با آمریکائی‌ها مذاکره کند زیرا آن‌ها را پدرخوانده‌های واقعی اوکراین می‌دانست. از جمله، می‌توان از

خروج امریکا از عهدنامه نیروهای میان‌برد هسته‌ای (FNI) در فوریه ۲۰۱۹ اشاره کرد که اصولاً باید با مخالفت اروپایی‌ها مواجه می‌شد چرا که آن‌ها به‌طور بالقوه نخستین هدف این نوع تسلیحات هستند.

در واقع امریکا مهم‌ترین قرارداد را در سال ۲۰۱۹ فسخ کرد. معاهده INF انهدام تسلیحات هسته‌ای کوتاه و میان‌برد زمینی را پیش‌بینی کرده بود. معاهده INF در واقع تضمینی بود برای این که اروپا به میدان جنگ هسته‌ای تبدیل نشود. این معاهده - حیاتی برای منافع اروپا - به‌طور فعال توسط دو دولت ایالات متحده خنثی شد. باراک اوباما در سال ۲۰۱۴ شروع به زیر سوال بردن این معاهده کرد. طرف روسی سعی کرد شفاف باشد و به وضوح علاقه خود را برای حفظ این قرارداد نشان داد. در نهایت، موشک‌های اسکندر مستقر در کالینین‌گراد، که ایالات متحده معتقد بود ناقض معاهده INF است، برای خروج از این معاهده تعیین‌کننده بود. ناتو و امریکا هر دو دعوت برای بازرسی سیستم‌های تسلیحاتی در محل را به عنوان تلاشی برای فریب رد کردند و ترجیح دادند به اطلاعات سرویس‌های اطلاعاتی خود که گویا موثق هستند تکیه کنند و چنین بود که مهم‌ترین معاهده خلع سلاح برای اروپا در بایگانی تاریخ جای گرفت.

آنچه حائز اهمیت است درک این نکته مهم است که نه تنها ناتو بیش‌تر و بیش‌تر به سمت شرق گسترش یافته است، بلکه امریکا توافق‌نامه امنیت در اروپا را که طی سال‌ها کار دقیق دیپلماتیک که در زمان جنگ سرد حاصل شده بود، لغو کرده است. آن کس که امنیت اروپا را تهدید می‌کند روسیه نیست، بلکه امریکا و ناتو هستند که امنیت اروپا را تهدید می‌کنند. روسیه به تغییرات در معماری امنیتی واکنش نشان می‌دهد، اما آن‌ها را ناپود نمی‌کند. ناپود کننده معماری امنیتی امریکاست.

هنگامی است که روس‌ها و امریکایی‌ها به گفت‌وگو درباره مسایل راهبردی می‌پردازند و مدت عهدنامه کاهش سلاح‌های هسته‌ای «نیو- استارت» (New-Start)، در پی نشست بایدن- پوتین در ۲۱ ژوئن ۲۰۲۱ را تمدید می‌کنند، این کار به‌عنوان کاهش تنش با مسکو انجام گرفت.

بحران در روابط روسیه و غرب نشان می‌دهند که عقب‌نشینی از افغانستان را نمی‌توان از ای بحران اوکراین جدا کرد. ملت‌های روس و اوکراین اگرچه بیش از یازده قرن است که در همبستگی با هم و در ابتدا هم در چارچوب حکومت «روسوکئیف» برای نخستین بار یک کشور اسلاو را در اروپا تاسیس کردند اما تعارض بین آن‌ها نیز با فراز و نشیب ادامه پیدا کرده است.

روسیه هژمونی خود و عدم حضور ناتو در اوکراین را برای امنیت خود ضروری می‌داند و کئیف که ۵۰۰ کیلومتر با مسکو فاصله دارد برای امنیت روسیه اهمیت دارد.

با این وجود هنوز پنجره راهل دیپلماتیک کاملاً بسته نشده است. شمار نیروهای روسی به صد و سی هزار نفر افزایش یافته است؛ حضور ناوهای نظامی روسی در دریای سیاه، درخواست خروج شهروندان و کاهش کارکنان سفارت‌خانه‌ها از سوی شماری از کشورها، تعلیق پروازها به اوکراین، و اتفاقاتی دیگر همه نشانگر افزایش احتمال حمله نظامی روسیه است که ممکن است پیش از اتمام المپیک زمستانی پکن بوقوع بپیوندد. روسیه هم اعلام کرده دیپلمات‌های خود را از اوکراین خارج خواهد کرد.

رویکرد دولت بایدن رئیس‌جمهوری امریکا بر علیه روسیه منتقدان و مخالفانی در داخل امریکا دارد. برخی عدم ارائه مستندات برای ادعاها را نگران‌کننده دانسته‌اند که مبادا مشابه حمله نظامی امریکا به عراق ادعاهای دروغی طرح گردد. مقامات امنیتی و انتظامی در پاسخ بر درستی ادعاها و وجود عکس‌های ماهواره‌ای تاکید کرده‌اند و انتشار منابع

اطلاعاتی و مستندات را باعث خطر مسدود شدن دسترسی به اطلاعات خاص و محرمانه و لو رفتن کانال‌های موجود برای نیروهای امنیتی روسیه به‌شمار آورده‌اند.

در این فضا حمله احتمالی نظامی روسیه با پیامدها و مخاطرات بیش‌تر متوجه شده و در صورت آغاز جنگ هزینه‌های سنگین اقتصادی و امنیتی برای دولت روسیه و بلندپروازی‌های پوتین خواهد داشت. شاید پوتین و دولت روسیه بر این باورند که ناتو در موقعیت ضعیف است؛ از این رو می‌تواند سیاست‌ها نهران و آشکار خود را در اوکراین پیاده کند. یا با فشار و تهدید از طریق مستقر کردن ده‌ها هزار نیرو و تجهیزات نظامی در مرزهای اوکراین موقعیت خود را حفظ کند.

این واقعیت است که اوکراین توان مقاومت در برابر حمله فراگیر نظامی روسیه را ندارد اما اشغال نظامی اوکراین برای روسیه گران تمام خواهد شد. در گام نخست اشغال نظامی اوکراین پیامدهای اقتصادی سنگین تحریم‌ها برای روسیه دارد و باعث تشدید شکاف دولت-ملت در روسیه به نفع مخالفان شود.

روزهای آینده ممکن است با آغاز شمارش معکوس برای حمله نظامی روسیه برگ‌های مهمی از تاریخ زمانه ورق بخورد و مناسبات دنیا، بالکان و خاورمیانه را دگرگون سازد. اما بازی پرقمار پوتین در نهایت بعید است مزیت ماندگاری برای روسیه داشته باشد. این واقعیت ممکن است در نهایت باعث نرمش پوتین و پذیرش تلخی ناکامی کمپین فشار به اوکراین در چارچوب حداقل‌سازی آسیب‌ها شود.

تاکنون اروپایی‌ها به شکل تماشاجی ناظر مذاکرات محرمانه امریکا در مورد امنیت قاره اروپا، در زمینه تهدیدهای جنگ اوکراین هستند.

از سوی دیگر، جنگ اقتصاد روسیه را متلاطم می‌کند. بازار سهام در معرض خطر قرار دارد و در صورت جنگ، روبل را با خود به پائین می‌کشد. به‌علاوه پس از این موضوع، افزایش قیمت‌ها و کاهش دستمزدها نیز به مشکلات اضافه خواهد شد. با این حال، هیچ یک از این نگرانی‌ها، مانع از ماجراجویی‌های جاه‌طلبانه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نشده است.

پنج‌شنبه پنجم اسفند [حوت] ۱۴۰۰ - بیست و چهارم فبروری ۲۰۲۲